

نقش رسانه در امنیت ملی و روانی

کاظم رحیمی^۱، مجتبی رضاپورسودرده^۲، سرهنگ آرش بخشایی^۳

۱. کارشناس ارشد مدیریت اجرایی (گرایش استراتژیک)

معاون سیاسی امنیتی اجتماعی فرمانداری شهرستان پارسین، ایران

۲. کارشناس عمران (مهندسی عمران)، فرماندار شهرستان پارسین، ایران

۳. کارشناس ارشد حقوق (گرایش جزا و جرم شناسی)، فرمانده انتظامی شهرستان پارسین، ایران

چکیده

در دنیای امروز، با تکیه بر رسانه اداره می شود یا حداقل چنین به نظر می رسد، زیرا بدون جلب رضایت اکثریت مردم که معمولاً تحت تاثیر رسانه هستند جامعه دوام نخواهیم آورد. در این مقاله که با استفاده از مطالعات کتابخانه ای صورت گرفته با بررسی مفاهیم امنیت و رسانه و همچنین نقش آنها و تاثیرشان را در امنیت روانی و ملی را مورد تحقیق قرار گرفت.

واژه های کلیدی: امنیت، رسانه، امنیت ملی



مقدمه

دنیای رسانه‌ها دنیای بزرگی است رسانه‌ها از ساده‌ترین شکل اولیه رسانه مکتوب و تا امروز که پیشرفته‌ترین رسانه‌ها متولد شدن ادامه دارد رسانه‌ها تحت عنوان فناوری‌های جدید ارتباطی مولتی می‌دیاها و حتی رسانه‌های ترکیبی جدید که ترکیبی از کامپیوتر ماهواره و امکانات دیگر ارتباطی که در دنیای جدید متولد شده قابل ذکر است از زمانی که رسانه‌ها متولد شدن کارکرد نقش رسانه مشکل گرفت اولین نقش و کارکردهای که برای رسانه تعریف شد نقشه راهنمایی و رهبری نقش آموزشی خبری نقش تفریحی تبلیغی بود اما کم‌کم نقش‌های جدید برای رسانه به وجود آمد از جمله نقش تهدیدآمیز رسانه نگاهی به عملکرد رسانه‌ها در دنیای امروز نشان می‌دهد که رسانه‌ها در خدمت منافع و مطامع سرمایه‌داران و کسانی که قدرت طلب بودند و همیشه به دنبال به دست آوردن منافع بیشتر از جوامع مختلف بودند قرار گرفته است وقتی ادبیات این حوزه و مورد مطالعه دو دسته استعمار را در فرهنگ خود شاهد هستیم که مقام معظم رهبری تحت عنوان استعمار فرانو و یا فرانوین مطرح فرمودند.

استعمار فرانو به دنبال بحث‌های قدیم استعماری مطرح شد استعمار فرانو ترکیبی از دواستعمار گذشته، کهنه و نو بود استعمار فرانو عملیات نظامی و توجیه رسانه‌ای است مصداق‌هایی مثل عراق، افغانستان چین و ... کشورهایی هستند که به نوعی از حضور از غربی‌ها آسیب دیدن یعنی اول نفوذ بعد توجیه اعمال خود را از طریق هدایت افکار عمومی و قبول و پذیرش این پدیده‌هایی از ویژگی‌های استعمار فرانو این است که سیطره فرهنگی را بر سیطره نظامی مقدم می‌کند و کانال فرهنگ بستر نفوذ برای غربی‌ها به شمار می‌آید دوم اینکه برای تحقق و استعمار به کانون‌های سرمایه‌داری جدید در جهان سوم توجه می‌کنند لذا شکل‌های جدید اقتصادی به وجود آمد.

بحث بعدی مخدوش کردن امنیت فردی و اجتماعی افراد است تا مشروعیت نظام زیر سوال رود از ویژگی‌های دیگر ترویج عناصر فرهنگ بیگانه بیگانه است که عمده‌تاً از طریق تولیدات رسانه‌ای انجام می‌شود با فیلم‌ها و سریال‌هایی که عناصر موجود در آن را جزء عناصر فرهنگی این جامعه نیز با ارزش‌های آنها سازگاری ندارد مثلاً تشویق و ترغیب به استفاده از علامت‌های مثل گروه‌های رپ، هوی متال و امثالهم در حالی که اگر از آنها پرسیده شود هیچ اطلاعی از ماهیت واقعی این عناصر به گروه‌ها ندارند و حکم یک پدیده نوآورانه و مد را دارد از موارد دیگر می‌توان به وابستگی اقتصادی و گستردگی بازار مصرف اشاره کرد که سعی می‌کنند اقتصادی جوامع را وابسته کنند تا بتوانند اقتصاد را تحت کنترل بگیرند جامعه را فلج کنند مورد بعدی کنترل شدید و زمینه سازهای جاسوسی گسترده‌ای است که سعی می‌کند همه افراد را جیره خوار خود کنند برای اینکه بتوانند اطلاعات را خرید و فروش بکنند. از حربه‌های تبلیغاتی و تکنیک‌های خاص ارتباطی هم استفاده می‌کنند. جعل خبر موضوعی است که مکرراً اتفاق می‌افتد مثلاً



جایگاه کردن نهایی جا افتاده و قطعی مرزهای کشور از جمله جعل کردن نام خلیج فارس و مواردی از این قبیل است.

الزامات استعمار فرانو چیست؟ جا انداختن نظم نوین جهانی و خاورمیانه بزرگ در افکار عمومی که موضوع اسرائیل بود اما با جنگ ۳۳ روزه لبنان این تفکر قدرتمند بودن اسرائیل در منطقه فرو ریخت و دلیلش هم این است که همیشه غرب در منطقه یک ژاندارم می خواست این ژاندارم مراقب اوضاع باشد و قدرتمندترین کشور در منطقه در گذشته ایران بود و الان هم هست ولی خواستند این کشور را در مقابل ایران قراردهند که ما دیدیم در جنگ ۳۳ روزه اسرائیل کنار زده شد و موفقیت لبنان باعث شد که اسرائیل به انزوا برود.

بحث بعدی تقویت ابزار رسانه‌ای پشتیبانی عملیات روانی رسانه‌ای است عمدتاً رسانه‌ها را تقویت می‌کنند مثلاً ماهواره‌های پخش مستقیم، بحث اینترنتو آسیب‌هایی که اینترنت را برای جوامع دارد متأسفانه ما تمام حواس خود را به ماهواره‌ها متوجه کردیم از اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای و آسیب‌های آن غافل شدیم و غرب برای اینکه بتواند این عملیات رسانه‌ای را جا بیندازد و بتواند ابزارهای رسانه‌ای را تقویت کند می‌بینیم که از سال ۱۹۸۵ به بعد پانصد طرف قرارداد دانشگاهی وجود دارد که از پنتاگون پول می‌گیرند و پنتاگون نیز به جای این که پول را صرف تولید تسلیحات نظامی کند آن را صرف تحقیق ارتباطی و کاربرد روی ابزار رسانه‌ای و شیوه‌های اثرگذاری آنها می‌کند از دیگر الزامات استعمار فرانو بحث استراتژی پیشدستانه به موازات تبلیغات گسترده و چشمگیر است یعنی در استعمار فرانو در معرض کار انجام شده قرار می‌گیرند و نگاه غافلگیرانه دارد به عبارت دیگر به جای اینکه اول ضربه بخورد سعی دارد پیشدستی کند و مثل مخالفت با تولیدات هسته‌ای ایران.

مفهوم امنیت:

بر اساس یک تعریف جامع امنیت ملی به معنای افزایش توان‌ها یا فرصت‌ها و کاهش تهدیدها است در همین رابطه یکی از ارکان مهم امنیت ملی در عرصه فرهنگی رسانه‌ها به شمار می‌آیند بنابراین رسانه‌ها نقش مهمی در افزایش و کاهش تهدید دارند از این رو از اهمیت و حساسیت بیشتری نیز در سطح جامعه برخوردار خواهد بود تعریف امنیت در قانون به معنای نبود تهدید است در گذشته‌های دور امنیت فقط به معنای نبود تهدید نظامی تلقی می‌شد اما امروز مولفه‌های امنیت زیاد شده و تمامی ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و غیره را شامل می‌شود، جنبه مثبت تعریف امنیت آن که بستر مناسبی در جامعه وجود داشته باشد به گونه‌ای که فعالیت‌های مختلف در ابعاد متفاوت آن به طور عادی و بدون مشکل جریان پیدا کند امنیت دارای دو بعد معنوی و مادی است گاهی برای ایجاد امنیت از روش‌ها، ابزارها و تمهیداتی استفاده می‌شود.



اما مردم احساس امنیت نمی‌کنند و هر چند شعار قانونمداری این روزها باب شده است اما نگرانی مردم از کاهش سطح امنیت را نمی‌توان نادیده گرفت از این روزها دادرها احیا می‌شوند دادگاه علنی برگزار می‌گردند و جانیان در انتظار عمومی به دار آویخته می‌شوند اما باز هم نگرانی عمومی کاهش پیدا نکرده است وقتی با وجود بسیاری از امکانات دستیابی به امنیت مردم باز هم احساس ناامنی می‌کنند باید به این نکته پی برد که مردم خود را در امان نخواهند دید مگر اینکه به گونه احساس امنیت داشتن به ایشان القا شود و این امکان‌پذیر نیست مگر وقتی که حقوق تمامی اشخاص و افراد جامعه رعایت گردد.

مفهوم مدیریت رسانه

کندوکاو در وضعیت کنونی روابط بین‌الملل نشان می‌دهد استقلال رفتاری مجموعه‌های ملی تا حد زیادی کاهش یافته و در مقابل مجموعه‌های فراملی رشد انکارناپذیری در عرصه جهانی پیدا کرده‌اند این میدان گسترده در عرصه فرهنگ فرآیند پیش رو دارد که به شکل‌گیری جامعه اطلاعاتی منجر شده است در این حوزه ماهواره‌ها، اینترنت و همچنین سازمان‌های بین‌المللی مانند اتحادیه بین‌المللی ارتباطات راه دور و یونسکو فعالیت دارند و غول‌های ارتباطی مانند چهار خبرگزاری غربی بر تصمیم‌گیری‌های بین‌المللی و ملی تأثیر می‌گذارند بنابر این دگرگونی فرهنگی از مفاهیمی است که نشان‌دهنده مصونیت نداشتن فرهنگ‌های ضعیف و بدون پشتوانه فناورانه در برابر تأثیر پذیری از فرهنگ جهان گستر است وابستگی و برخورد فرهنگ‌ها از طریق بزرگراه‌های اطلاعاتی مشکلات فزاینده را برای واحدهای اجتماعی در سطح دولت، ملت، جوامع و افراد در راه حفظ هویتشان ایجاد کرده است البته این نکته را باید توضیح داد که این بزرگراه‌های اطلاعاتی خود می‌توانند در مسیر آگاهی‌بخشی و بالا بردن فشار و وجدان جهانی در هنگام وقوع آسیب‌های جهانی در منطقه‌ای و ملی مورد استفاده قرار گیرند اما مالکیت انحصاری این شبکه‌های فراملی اطلاع‌رسانی واقع‌گرایانه در مورد رویدادهای بعضی از مناطق را که با صاحبان این شبکه‌ها برخورد منافع دارند دچار تحریف کرده و با دگرگون کردن واقعیت مخاطبان را گمراه می‌کنند.

ساموئل هانتینگتون استاد کرسی حکومت در دانشگاه هاروارد نیز در مقاله رویارویی تمدن‌ها که در سال ۱۹۹۳ به چاپ رسید و در مجامع مطالعاتی و روابط بین‌الملل انعکاس گسترده یافت منبع اصلی برخورد در جهان جدید را دارای ماهیت فرهنگی می‌داند نه اقتصادی وی تفاوت‌های موجود بین تمدن‌ها را اساسی ذکر می‌کند و با اشاره به افزایش روند خودآگاهی تمدنی می‌گوید: روابط بین‌المللی به گونه‌ای فزاینده به سمت غربی شدن حرکت کرده است چنانکه تمدن‌های غیرغربی نقش بازیگر را به عهده دارند و روابط بین غرب و دیگران محور اصلی سیاست‌های جهانی خواهد بود کانون دیگری را در آینده غرب و چند کشور اسلامی کنفوسیوسی می‌داند.



هانتینگتون با اشاره به این موارد و ذکر مثال‌های گوناگونی از رشد خودآگاهی تمدنی در نقاط مختلف و شرح سرشت تمدن‌ها راهکارهایی را که باید سیاستمداران غرب در کوتاه مدت و بلندمدت مورد توجه قرار دهند عرضه می‌کند راهکارهایی که در حقیقت گوشه ای است از تفکر حاکمان کشورهای غربی است از دید او منافع غرب به روشنی ایجاب می‌کند همکاری و یگانگی بیشتری در درون تمدن خود به ویژه بین اجزای اروپایی و آمریکایی شمالی آن به وجود آورد دامنی قدرت نظامی کشورهای کنفوسیوسی را محدود کند و اختلافات و درگیری‌های موجود بین کشورهای اسلامی و کنفوسیوسی را مورد بهره‌برداری قرار دهد از گروه‌هایی که در درون تمدن‌های دیگر به ارزش‌ها و منافع غرب گرایش دارند پشتیبانی کند و آن دسته از نهادهای بین‌المللی را که منعکس‌کننده منافع ارزش‌های غربی هستند و به آنها مشروعیت می‌بخشند تقویت و تشویق کنند آنچه در راهکارهای پیشنهادی هانتینگتون این که بسیاری از آنها در حال حاضر عملی شده و یا در برنامه‌ریزی‌های استراتژیکی قرن مورد توجه قرار گرفته قابل تحمل است این نکته است که این برنامه‌ها از چه طریق قابل اجراست آیا می‌توان در این مبارزه فرهنگی نقش رسانه‌ها را نادیده گرفت و از چه طریقی می‌تواند بر نقاط مورد اختلاف کشورهای اسلامی کنفوسیوسی دست بگذارد و بر آنها اصرار ورزد آیا این کار جز از طریق تضعیف اتحادیه‌های منطقه خطرناک و بی‌اثر کردن فرهنگ خلاق و نوآور دیگران امکان‌پذیر است؟

سواد رسانه‌ای:

آموزش سواد رسانه‌ای در برگیرنده آن دسته از فرایندهای شناختی که در تفکر انتقادی مورد استفاده قرار می‌گیرند کارگاه‌های آموزشی و برنامه‌های درسی رسانه‌ها بر ارزش‌های اخلاقی رهیافت مصونیت‌ساز و تدافعی واکنش توأم با تشخیص بیننده انتقادی مقاومت ضد رسانه‌ای و انقلاب مصرف‌کنندگان تاکید می‌ورزند برنامه‌های استقرایی سواد رسانه‌ای تفکر انتقادی مستقل را ترویج می‌دهند محتوایی رسانه‌ای برای پیش‌بینی پیامد قرار گرفتن در معرض رسانه‌ها بسیار محدود است معنا در آن که مخاطبان وارد تجربه رسانی خود می‌سازند برداشت گزینشی بافتی که در آن از رسانه‌ها استفاده می‌کنند همسازی و علت و چگونگی استفاده از آنها از رسانه‌ها استفاده و رضایتمندی قرار می‌گیرد برنامه درسی سواد رسانه‌ای برای موفقیت نیاز به مشارکت و همکاری معلمان مدیران متخصصان و والدین دارد.

اصطلاح سواد رسانه‌ای برای افراد مختلف معانی متفاوتی دارد به طور سنتی سواد رسانه به توانایی تحلیل و ارزیابی آثار مربوط و به طور گسترده ایجاد ارتباط از طریق نگارش خوب اطلاق می‌شود طی نیم قرن گذشته سواد رسانه‌ای شامل توانایی تحلیل شایسته و به کارگیری ماهرانه روزنامه نگاری چاپی محصولات سینمایی برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی و حتی اطلاعات و مبادلات رایانه‌ای از جمله تعاملات زمان واقعی از طریق شبکه جهانی اینترنت شده است.



ارتباط رسانه و امنیت ملی:

جنگ ذهنیت‌ها در جهان رسانه‌ها برای تغییر عینیت‌ها در جهان واقعی واقعیت گریزناپذیر دنیای امروز است ملت‌ها و دولت‌ها خواسته و ناخواسته وارد میدان شده‌اند ضمن آنکه امروز رسانه‌ها در حوزه ملی نیز تبدیل به شاهرگ حیاتی شده‌اند به عقیده ویلبر شران محقق علوم ارتباطات اجتماعی، توسعه اقتصادی جز در صورت تحقق توسعه اجتماعی میسر نیست و توسعه اجتماعی مستلزم بسط آموزش و اطلاعات است بنابراین باید پذیرفت که وسایل ارتباط جمعی تأثیر قطعی بر توسعه فرهنگی و از خلال آن توسعه اقتصادی خواهد داشت اما صرف‌نظر از نقش رسانه در توسعه دو عرصه فرهنگ و اقتصاد در عرصه جهانی شدن رسانه‌ها به تبعات جهانی شدن سایر حوزه‌های زندگی انسانی با مفهوم استراتژی تحت عنوان امنیت ملی مواجهه پیدا می‌کنیم قبل از ۱۱ سپتامبر ۲۰۱۱ به این سو ارزش دو چاندانی در روابط دیپلماتیک به خود گرفته است امروزه امنیت ملی به صورت مفهومی پارادوکسیکال کاملاً جداگانه جلوه می‌کند چرا که به امعان نظر به وقایع سیاسی که در سه سال گذشته در مناطق حساس در عرصه دیپلماسی عمومی در سطوح مختلف و به خصوص در منطقه خاورمیانه به منصفه ظهور رسیده است شاهد آن بودیم که مفهوم امنیت ملی دستاویز سودجویی‌های ابرقدرت‌های نظیر آمریکا، انگلیس و ژاپن و غرب به جانبداری آشکار و پنهان از دولت‌هایی حق به جانب خود انگار نظیر اسرائیل گردیده از سوی دیگر با آغاز اقداماتی در جهت افزایش ضریب امنیت ملی و دقیق‌تر تروریسم از سویی قدرت‌های نامبرده با مقاومت شدید بومیان سرزمین‌های روبرو گشته اند که حکومت‌های آنها متهم به اعمال وحشیانه و ضدبشری هستند که به کارتهای مذکور علی‌الظاهر به مقابله برخاستند.

در گزارش تابان جوامع امروزی و به خصوص واقعه تاریخی ۱۱ سپتامبر که در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه رسانه‌های جمعی هم در قالب ملی و هم در ساخت بین‌المللی کارایی و ناکارآمدی‌هایی در عرصه توسعه داشتند که در تقویت یا تضعیف پایه‌های امنیت ملی یک کشور تجلی یافته اند این شرایط هم یک فرصت و هم تهدید به شمار می‌رود آنچه بدیهی است جریان بین‌المللی اطلاعات احوال فرهنگ به صورت جریانی نامتوازن و نابرابر در قالب‌های رسانی متعدد خود تهدید بالقوه‌ای برای امنیت کشور و سایر جوانی جهان سومی کارکرد رسانه فراملی کارکرد رسانه‌های مرکز پیرامون است برای رویارویی با آنها باید راهبردهایی عملگرا در پیش گرفته اما اینکه اساس این راهبردها که باشم می‌توان به سه اصل تکیه کرد.

۱- نهادهاسازی در جامعه و نهادهاسازی فرهنگ و تقویت جامعه مدنی از طریق توسعه سیاسی.

۲- افزایش کیفیت تولیدات فرهنگی داخلی.

۳- گزینش‌گری در برابر جریان جهانی اطلاعات و فرهنگ بر اساس ارزش‌ها و نیازهای مشترک انسانی.



پوشش‌های رسانه‌ای که اگرچه ابزاری است که در کنش و واکنش پدیدآورندگان و سیاست‌گذاران آن با مخاطبان بنیان انعطاف شناختی را می‌گذراند همراه با آهنگ تحولات جامعه در بستری مرموز تأثیرات متقابل را ایجاد می‌کند اما در شرایطی که نهادهای مدنی در کشور کشورهای در حال توسعه در دوران تکوین خود متوقف شده و درجا می‌زند عموماً به مثابه اهرم ویژه حکومت‌های دیکتاتورماب عمل می‌کنند و در کشورهای توسعه‌یافته نیز همه سیاست‌گذاری‌ها به سمت شکل دادن به امپراتوری نوین قدرت‌های برتر جهان پیش می‌رود و این ترتیب در پروژه عظیم جهانی شدن رسانه‌های جمعی قدرت آن را دارند که با تنزل قدرت انتخابات مخاطبان و تضعیف روند نهادینه شدن ارزش‌های اجتماعی و انتقال تصورها و انگاره‌های از هم گسیخته غیربومی و فراملی پایه‌های وفاق نماید هر چند که روند جهانی شدن فرهنگ‌ها و پیش رفتن به سمت اتحاد ملت‌ها در ارزش‌های انسانی بسیار ستوده و در خور اهمیت است.

هم اینک نظام تغییرات بین‌المللی متأثر از کارکردهای رسانه‌ها می‌باشد در دهه‌های اخیر تقریباً تمامی جنگ‌ها نزاع‌ها و مداخلات اقتصادی و سیاسی با زمینی‌سازی‌های رسانه‌ای همراه بوده است اگر کشوری بخواهد علیه کشوری دیگر اقدام کند اول باید دولت‌ها و عمده کشورهای جهان را متقاعد سازد که این عملیات عمل مشروع و قانونی اخلاقی و به نفع بشریت می‌باشد و در مرحله بعد باید افکار عمومی جهانیان یا همان شهروندان جهانی را برای فعالیت خود آماده کند تا رفتار تا رفتار وی غیرعاطفی مداخله‌جویانه و جنگ‌افروزان تلقی نشود و در نهایت باید ابزارها و فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی به مثابه ابزارهای عملیات روانی به کار گرفته شود.

به تعبیر پیترسون و رسانه‌ها با دستکاری و تحریف اطلاعات سفید را سیاه، زشت را زیبا، اشغالگری را آزادی‌بخشی و آزادی‌خواهی را تروریسم می‌نامند و شگفت‌انگیز آن که افکار عمومی نیز ناهوشیارانه مفتون این عملیات فریب‌آمیز روانی می‌شود.

ارتباط رسانه و امنیت روانی:

وقتی سخن از امنیت روانی و پیوند آن با عملکرد رسانه می‌رود مقصود ما این است که محتوای رسانه پس از بخش می‌تواند احساس امنیت خاطر اعتماد برآورده شدن انتظارات و نیازها و دلگرمی ما را برای مخاطب به همراه آورد و ناامنی روانی عدم امنیت روانی آن است که محتوای رسانه پس از پخش احساس ترس، اضطراب، بی‌ثباتی، اغتشاش ذهنی و غیره را در مخاطب ایجاد کند.

وقتی که اخباری پیرامون اغتشاش، خشونت و اوباشگری در مطبوعات و صدا و سیما انتشار می‌یابد موجب ناامنی روانی می‌شود به عبارتی این اخبار در مخاطب از اینکه در دنیای پرآشوب زندگی می‌کند ایجاد بدبینی و ترس می‌کند و همین معنی روانی در فعالیت‌های حیات اجتماعی نوعی اختلاف و بی‌اعتمادی و ترس و هیجان کاذب و اضطراب در حیات اجتماعی و خانواده‌ها ظاهر می‌شود نابسامانی اجتماعی و ناامنی



اجتماعی هم قطعاً در تخلفات فردی بی‌توجهی به ضوابط و بزهکاری تأثیر منفی خواهد گذاشت البته گزارش اینگونه انحرافات اجتماعی توسط رسانه‌ها چنانچه با تحلیل و تبیین آسیب‌های آنها به منظور حفظ جامعه از گسترش انحرافات صورت گیرد امری مفید بلکه ضروری است در ضمن افزایش آگاهی مخاطب این رسانه‌ها موجب می‌شود که رفتار اجتماعی خود را بر این اساس تنظیم نمایند و از پیامدهای کجروی‌های اجتماعی در امان باشند آنها باید در کنار ذکر حوادث به جنبه عبرت‌آموزی حوادث جهت پیشگیری از هرگونه انحراف توجه داشته باشند در این راستا به تحلیل انحرافات و راه‌های مبارزه با آن و شیوه‌های جایگزینی مواظبت آنها اشاره نمایند و اگر به صرف نقد و ذکر انحرافات اکتفا شود افزایش دامنه و نوع کارکردهای منفی رسانه‌ها دور از انتظار نخواهد بود.

ارتباط رسانه در ایجاد انسجام امنیت ملی:

همبستگی و وفاق ملی به عنوان پدیده اجتماعی از لوازم و نتایج قطعی و حتمی توسعه همه جانبه و امنیت ملی است و وفاق ملی که انسجام و همبستگی جامعه را پایدار می‌کند پدیده‌ای فراتر از یگانگی و یکسانی است که بنیاد آن بر حضور و قبول ارزش‌های مشترک قرار دارد اما به معنای مشابهت مکانیکی در اندیشه و عمل نیست در مجموع کار رسانه‌ها در حفظ و تحکیم وفاق ملی چه به لحاظ سخت افزاری به چه لحاظ نرم‌افزاری و بالا بودن توان انتخاب جامعه افزایش مشارکت رقابت و پویایی شهروندان درونی و نهادی کردن نظام ارزشی و باورهای اعتقادی و معرفی سازوکارهای حل و فصل تعارض روزها و چندگانگی‌های فرهنگی و اجتماعی است در حقیقت رسانه‌های جمعی باید بتوانند به برقراری و استحکام رابطه میان تنوع و وحدت و یا تمایز و یکپارچگی مدد رسانند تا وفاق ملی و در نهایت امنیت ملی پایدار بماند

روش‌های تأثیرگذاری رسانه بر امنیت ملی و روانی:

برچسب زدن

بر اساس این تکنیک رسانه‌ها واژه‌ای مختلف را به صفات مثبت و منفی تبدیل می‌کنند و آنها را به افراد و یا نهادهای مختلف نسبت می‌دهند و هدف از این عمل کرد آن است که ایده فکر و یا گروهی محکوم شود بی‌آنکه استدلالی در محکومیت آنها آورده شود

اصحاب رسانه می‌کوشند تا با القاب مثبت و منفی برداشت اولیه ما را نسبت به موضوعات مورد نظر تحت تأثیر قرار دهند به کارگیری بعضی از عناوین مثبت مانند دموکرات، آزادی‌خواه، نجات‌بخش و یا بعضی از عناوین منفی مانند تروریست متحجر محور شرارت و غیره ممکن است ما را به نتیجه متفاوت سوق دهد و نوع برداشت ما را نسبت به یک فرد و یا مفهوم خاص متأثر سازد برخی برچسب زنی را اسم گذاری بر یک



فرد یا یک عقیده خاص و یا گروهی مشخص برای تحریک و فکر و عقیده و یا آن گروه مورد نظر بدون بررسی شواهد تعریف کرده‌اند.

عنوان تروریست از جمله عناوین و القاب می‌باشد که از دهه ۸۰ تا کنون رواج فراوانی در رسانه‌ها یافته است در حالی که هیچگونه اجتماع جهانی و تعریف مشخص از این کلمه وجود ندارد و رسانه‌های مختلف بر اساس مصالح دولت‌های متبوعشان آنها را به گروه‌ها و جوامع خاصی نسبت می‌دهند اهمیت کاربرد برچسب تروریست به حدی می‌باشد که ابزار توجه سلطه نوین قدرت‌های بزرگ و به ویژه آمریکا شده است.

توسل به ترس:

در این تکنیک از حربه تهدید و ایجاد رعب و وحشت میان نیروهای دشمن به منظور تضعیف روحیه و سست کردن اراده آنها استفاده می‌شود متخصصان جنگ‌های روانی ضمن تهدید و ترساندن مخاطبان به طرق مختلف با آنها چنین القا می‌کنند که خطرات و صدمات احتمالی و حتی فراوانی به سر راه آنان کمین کرده و از این طریق آینده مبهم و توان با سختی‌ها و مشکلات را برای افراد دشمن ترسیم می‌کند. از تکنیک توسل به ترس گاهی برای بسیج جبه داخلی در مقابل یک تهدید خارجی نیز استفاده می‌شود جوزف گوبلز مدیر نظام تبلیغاتی آلمان هیتلری همواره از عبارت تئودور کافمن بهره می‌گرفت که گفته بود آلمان باید نابود شود گوبلز از این طریق ادا عا می‌کرد که متفقین در پی نابودی مردم آلمان هستند. هوارد لونتال از محققان حوزه‌های ارتباطی اعتقاد دارد که از طریق ارتباط می‌توان بیشتر افراد را به وحشت انداخته و به این ترتیب به احتمال زیاد افراد اقدام به عملی پیشگیرانه خواهند کرد راجرز و همکارانش در تبیین یافته‌های مربوط به ترس از نظریه محافظت انگیزش بهره می‌گیرند بر این اساس این نظریه ترس و انگیزه لازم را جهت محافظت افراد از خود فراهم می‌آورد در عین حال ارزیابی شناختی افراد از عامل مولد ترس نیز تعیین‌کننده است به باور راجرز توسل به ترس به ویژه ترس شدید تحت شرایط خاص قدرت اقناع‌کنندگی پیام را افزایش می‌دهد اینکه مخاطب متقاعد شود که خطری اشاره شده جدی‌اند و باور کند که این خطرها محتمل است و بعد از آن مخاطب باور کنند که توصیه ارائه شده در مورد عامل ترس مفید و موثر و در نهایت مخاطب متقاعد شود که می‌تواند به توصیه‌ها و کنش‌های درخواستی عمل کنند

اهریمن‌سازی:

در این تکنیک مبلغ تلاش دارد تا تنفر و دشمنی جمعیت مخاطبان نسبت به عقیده گروه و یا کشورهای خاص برانگیزد به نحوی که اگر گروه منفی از دیدگاه رسانه سیاست خارجی را پشتیبانی کند صرف نظر از



درست یا نادرست بودن آن وجه منفی گروه حامی این سیاست را بزرگنمایی می‌کند و از این طریق بر مواضع جمعیت مخاطب اثر می‌گذارد.

یکی از زیانبارترین پیامدهای تبلیغات جنگی تسهیل نابودی افراد یک ملت به وسیله افراد ملتی دیگر بدون عذاب وجدان است. جنگ نابودی و آسیب‌های فراوانی به بار می‌آورد و در چنین وضعیتی مبلغ جهت کاهش ناهماهنگی شناختی احتمالی در جبهه خودی سعی دارد به حداقل رساندن ماهیت انسانی قربانیان اعمال خود و یا به حداکثر رساندن استحقاق آنان در آنچه نصیبشان شده از خواهد داشت.

یکی از موثرترین فنون در تحریک به خصومت علیه دشمن استفاده از داستان‌هایی در مورد قساوت و بیرحمی طرف مقابل است که در جریان جنگ جهانی دوم و تهدید به انتشار گسترده این داستان که سربازان آلمانی در بلژیک دستان کودکان را قطع می‌کردند در برانگیختن خشم علیه آلمان‌ها بسیار موفق بودند.

گواهی:

گواهی و یا شهادت نقل قول‌هایی در داخل و خارج از پیام می‌باشد که برای حمایت از یک سیاست عقیده برنامه و یا شخصیت خاص آورده می‌شود در این تکنیک آوازه شهرت و یا جایگاه فرد بکار گرفته می‌شود که از این طریق شهادت گواهی تایید و یا نفی فرد یا افراد محترم بر روی پیام تبلیغاتی قرار می‌گیرد در تکنیک استناد یا گواهی هدف آن است که مخاطب خود را با فرد مورد استناد یکسان بدانند و باورها و ایده‌های آن را به منزله باورها و عقاید خود بپذیرد به عبارت دیگر تکنیک گواهی یا استناد عبارت از آن است که یک شخص مورد احترام و یا منفی فکر برنامه و یا سیاست معینی را تایید یا نفی کند.

از جمله کارکردهای دیگر تکنیک گواهی ترفندی می‌باشد که در فرآیند اقناع از آن تحت عنوان عرفی‌سازی یاد می‌شود در این حالت از طریق جمعی و همگانی نشان دادن سیاست و یا عقیده خاص حمایت مخاطب را به اتخاذ آن قانون می‌سازند در این ترفند رغبت طبیعی مردم به سمت مورد نظر مبلغ هدایت می‌شود و اینگونه به مخاطب القا می‌شود که برنامه سیاست و یا عقیده مربوطه تجلی خواست اجتناب‌ناپذیر توده مردم است بنابراین به سود مخاطبان می‌باشد که به توده مردم ملحق شوند.

کلی‌گویی:

بسیاری از مفاهیمی که از سوی رسانه‌های غربی مصادره و در جامعه منتشر می‌شوند محتوای واقعی آنها مورد کنکاش و بررسی قرار نمی‌گیرد تولیدات رسانه‌های غربی در دو حوزه سیاست داخلی و خارجی مملو از ارزش‌ها و مفاهیمی باشد که از سوی نظام سلطه به استخدام در آمده‌اند مفاهیمی مانند جهانی‌شدن و لیبرالیسم، اقتصاد باز، امنیت ملی، پلورالیسم، نظام نوین جهانی، حقوق بشر، دموکراسی، تروریسم و ...



اینها مفاهیمی می باشند که بدون تعریف مشخص در جهت اقدام مخاطبان در زمانی مشخص به کار گرفته می شوند.

در واقع کلی گویی مرتبط ساختن عقیده یا سیاست خاص با مفهوم ویژه تا مخاطب بدون بررسی شواهد و دلایل عقیده و یا سیاست موردنظر را بپذیرد استاتس از نظریه شرطی شدن کلاسیک در یادگیری نگرش استفاده کرده و اینکه بر کاربرد نظریه شرطی شدن کلاسیک در یادگیری معنی احساسی زبان تاکید دارد یادآوری می کند که در تجربی روزمره افراد کلمات خاصی به طور منظم با تجربه های احساسی ویژه گفته می شود به عنوان مثال به جای مانند دموکراسی، آزادی و حقوق بشر با احساس مثبت افراد جذب می شوند در حالی که بازی هایی مانند تروریسم، شرارت، و تحجر با احساسات منفی افراد جفت می شود. جنایت آمریکا در دورترین نقاط دنیا که تحت پوشش برخورد با تروریسم دفاع از آزادی و حقوق بشر صورت می گیرد از پشتیبانی رسانی کمال بهره برداری را به عمل می آورد در جریان حمله به افغانستان و عراق سیاست جنگ طلبانه دولت آمریکا مورد حمایت بسیاری از شبکه های تلویزیونی قرار گرفت شبکه تلویزیونی فاکس نیوز از ژنرال ها و کاخ سفید نیز جلوتر افتاد به نحوی که در طول حمله به عراق عبارت عملیات برای آزادی عراق بر صفحه تلویزیونی شبکه فاکس نیوز نیز حک شده بود.

نتیجه گیری:

پیشرفت علم و تغییر ماهیت اطلاعات تا آنجا رسیده است که حتی دقایقی پس از یک رویداد در نقطه از جهان تنها بیاری اینترنت می توان از همه جزئیات و اخبار مربوط به آن آگاه شده اهمیت رسانه ها و تاثیر بسزایی که نگاه آنها به ویژه روزنامه ها و شبکه های خبری ماهواره ای و اینترنتی و سیاستگذاری دولت ها دارند موجب شده که به عنوان یک چالش جدی در حوزه حاکمیتی خود از این پدیده یعنی انفجار اطلاعات یاد کنند زیرا این سهولت فوق العاده در در امر اطلاع رسانی دولت های همواره با فشار افکار عمومی و حساسیت های آنها نسبت به مسائل مختلف روبرو ساخته است از طریق جریان بین المللی اطلاعات اخبار و فرهنگ به صورت جریانی نامتوازن و نابرابر در قالب رسانی متعدد خود یک تهدید بالقوه برای امنیت کشورها و به ویژه دولت ها و جوامع جهان سوم می باشد لذا برای این قبیل کشورها، کشورهای در حال توسعه علی رغم کمبود و کاستی های مختلف در صورتی که یک نظام اطلاع رسانی بومی و داخلی که متکی و مقید به بازشناسی و بازآفرینی ارزش ها و باورهای دینی اخلاقی و انقلابی باشد ایجاد کنند آنگاه می توانند جامعه خود را در غلبه بر این بحران ها و نیل به سطوح عالی از امنیت ملی یاری نمایند.



فهرست منابع و مآخذ

- ۱- کتاب ارتباطات، افکار عمومی، جنگ روانی از دکتر محسن فردو و دکتر علی اکبر رضایی.
- ۲- کتاب دیدگاه‌های نظری دفاع غیر عامل از دکتر محسن فردو.
- ۳- احراری، ابراهیم، جهانی شدن و تقسیم کار نابرابر روزنامه همشهری ۲۲ خرداد ۱۳۸۰.
- ۴- نصر، صلاح، جنگ روانی، مرکز مطالعات و سنجش برنامه های صدا و سیما، تهران ۱۳۷۸.
- ۵- رسانه‌های ارتباطی و آزادی در عصر دیجیتال .
- ۶- کری، جیمز دیلو، ارتباط و فرهنگ (ترجمه مریم داداشی) نشر نقطه، چاپ اول ۱۳۷۶، ص ۲-۱۶.
- ۷- ساروخانی، باقر، جامعه‌شناسی ارتباط جمعی، انتشارات اطلاعات، تهران ۱۳۶۷، ص ۱۶.
- ۸- رسانه، فصلنامه وسایل ارتباط جمعی، نظریه‌های نوین ارتباطی، شماره ۳ پاییز ۱۳۷۳.
- ۹- نقش رسانه به عنوان ابزارهای جنگ رسانه‌ای از دکتر سید رضا نقیب‌السادات.